

در باب اراضی میبود و بعضی موجب ضرر میکرد و لهذا از جانب اعلیحضرت امیر اطور روس امر تقسیم شد  
 که هرگونه معاوضات که بمالک روس می آید یکدفعه در کتب طبیه سعایده و امتحان بشود و تا آنکه مرتکب  
 دحضت و اذیت نشود کسی استعمال ننماید (دیگر نوشته اند چنانکه امسال حاصل انکو در فرستادن  
 در اغلب جا خوب و زیاد بعل آمده است در مجارستان که از مالک تحت حکومت استریا است چنان  
 خوب دو افر بعل آمده است بطوریکه انقدر شراب که در پنج سال در آن ولایت بعل می آمد درین  
 سال حاصل شده است و بجهت اینکه امسال این حاصل برای این ولایت آمده کرده و زمانیکه  
 مستفیع شده از حقه از وجوه این حاصل برای فقره ارباب استحقاق معین نموده اند) (از قرار داده شده است)  
 انگلیس و فرانسه در سفایین حریت و تجارتی مناسبت و استحکام شرع از امور لازم است هم از  
 جانب دولتها و هم از طرف اصحاب سفایین فوق الغایت اهتمام و عتناء درین باب بعل آمده  
 در این اوقات شخصی در انگلیس از پیدا اربیشم و فنی که اربیشم از گرفته و فقط پیدا این مانده  
 که هیچ مصرف نمی آید و بهای بسیار نازل فروخته میشود با آنچه بجهت شرع کتیبها نیچ کرده است  
 که از بافته گان که شرع کتیبهای نمایند بمراتب قوی تر و با دوام تر است از اینکه هم از چیز  
 از آن تمام میشود و همیشه نازل است و هم دوام و استحکامش از گان بیشتر است در انگلیس  
 و فرانسه قرار گرفته اند که بعد ازین شرع سفایین شرع دارا کلا ازین قماش سازند  
 (دیگر از قرار روزنامه های لئوسان سابقا نوشته شده بود که اعلیحضرت امیر اطور روس بجهت  
 اجرای تعلیمات بزرگ غنیمت شهر مزبور کرده و جمعی از مشایخ و دکان و ارکان حریت دول  
 دیگر با نجا دعوت شده بودند بموجب روزنامه که بعد رسید اعلیحضرت امیر اطور بعد از اجرای  
 تعلیمات مزبور محض احترام مخصوصه در حق انالی آنجا یک دوایه اراده اقامت نمودن در شهر  
 مزبور را اعلام نموده اند و بجهت این حرمت و رعایت اعلیحضرت امیر اطور در حق تبعه خود که شنبه  
 الطاف و اعطاف را در حق آنها مری و هشتم است از برای شکرانه از هر قریه و قصبه اعیان  
 و انالی در شش سفیدان آنها فرقه بفرقه مشرفیاب خدمت اعلیحضرت امیر اطور می شود) (از  
 وزارت روزنامه پاریس بجهت امواتن لسان چین در این اوقات بدار الفنون پاریس دو معلم علاوه  
 کرده  
 که بعضی از شاگردان لسان این چین تعلیم نمایند

۲۷۷۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و شنبه و یکم شهریور سال اولی مطبوعات

نمبر چهار صد و یازده

قیمت اعلامات

بهر طرره



منطقه دار اخلای طهران

اجبار داند مالک محروم پادشاهی

دار اخلای طهران

چون موکب هایون شاهنشاهی ابدالله عیبه و ایدال همیشه هر سال درین موسم بکار کاچار حرکت میفرمایند بفرار معمول در این اوقات موسم که ملائمت هوا باقتضای فصل بیشتر از سالهای دیگر است غنیمت تفریح و شکار آنجا فرموده پیشچانه روز پیش حرکت کرده در روز جمعه ۲۳ پناه موکب منصور با التوکه والا جلال از مقر خلافت عظمی نسبت جاجرد و حرکت فرمودند از چاکران دربارهایون مخصوصان استمان سپهبدان از قبیل بعضی از شاهزادگان عظام و امن دولت علیه و بقدر لزوم از سایر خدمت چشم براندازان ما هر در رکاب حضرت انقار نمودند با بجهت پس از ورود بجاجرد و چند فقره شکار معمولی شده و بفرار مجدد سالهای گذشته از برای محترمین از علای اعلام و فقهم الله و شاهزادگان عظام و سفرای دول متحابه و غیره از شکار بکار رحمت و انعام فرمودند و چند روز دیگر در شکارگاه مزبور تفریح و شکار مشغول خواهند بود

(هوا سی و اخلای طهران تاکنون بسیار خوش و ملایم گذشته اگر چه بارندگی در خود شهر و اطراف تا حال نشده است ولی امید دارند که در این روزها باقتضای فصل بارندگی کامل که مظهر زراعت کاران است از تفضلات خداوندی بشود) (نواب والا محمد تقی میرزا حکمران دار اخلای طهران و بعضی از وزرای فحام و کارگذاران دیوانی از صاحب منصبان نظام و غیره متوقف در اخلای طهران هر یک همه روزه در منازل معینه خود حاضر شده بر طبق وقت تنظیم مهمان جمهر بر طرره دارند و هر یک

۲۷۷۳

مراقبت تمام در تعاد و اجرای احکام دیوانی و انجام خدمات موجود دارند (عالیجاه) (عالیجاه)

حکمی معلم حکم طبیعی که با سفارت کبری فرنگستان رفته بود در حال رحمت کرده است و آلات داد و

متعلق علوم فرنگ و شبی که ساخن آنها در دار الخلافه خالی از تصرف نبود در فرنگستان کار گزاران

دولت ابد مدت اتباع نموده بدار الخلافه آورده اند و علومیکه سابقاً از روی نقشه از برای شاکردان

بیان کرده بود حال با آن سبب مفضلاً با اتفاق شاکردان خود از علم عمل خواهد آورد که نایبصیرت

کامل باشد چون شاکردان قدیم او چهار نفر بیشتر بودند حال نواب و الاعضا و السلطنه

قرار دادند که چند نفر شاکردان با سواد نیز نیاز رالیه داده شود که در نزد او تحصیل نمایند و دو نفر

آنها مشخص شده است و باقی نیز مشخص خواهد شد (سابقاً سه نفر از شاکردان توپخانه یعنی ارتجاع

کوه البرز رفته بودند و از پانین کوه تا بالادت ده روز بدقت تمام با نولمال و ترومتی ارتجاع

از امشخص نموده اند که قواعد آنها در ساله مختصری با سینه خواهد شد و اسامی ایشان این قرار است

عباسعلی خان دینی محمد حسین خان اصفهانی میرزا اسمعیل خان (عالیجاه موسیو مبرک فرانسوی

معلم علم هندسه که با سفارت کبری چند سبت که وارد دار الخلافه شده است در این اوقات حاکم

مقرر شد که مدرس دار الفنون آمد و مسئول تعلیم شاکردان هندس باشد و در این همه مشغول این کار

شده است) (نقشه دار الخلافه طران را که مدت سه ماه عالیجاه موسیو کرشس سررت معین توپخانه

با و نفر از شاکردان خود یکی محمد تقی خان مقدم و یکی ذوالفقار یک محکمی مشغول کشیدن بودند

در این اوقات با تمام پوست و اورا نواب و الاعضا و السلطنه با اتفاق شاکردان او بحضور مبارک

کردند بسیار مطبوع طبع با بون افتاده و مسخ یکصد تومان با تمام آنها رحمت فرمودند پنجاه تومان

بخود عالیجاه مشا رالیه و پنجاه تومان بدو نفر شاکردان او و مقرر فرمودند که بزودی هزار و دو

صد و ازین نقشه با سینه نمایند) (در روزنامه دو و هفتاد قبل شرحی در باب ترقی شاکردان مدرسه

دار الفنون و اتهامات نواب و الاعضا و السلطنه در علم و عمل هر صنف از متعلمین مدرسه نوشته شده

از جمله شاکردان فارغ التحصیل مدرسه بودند که تصدیق از نواب و الا گرفته خدمت خارج

نامور شدند و حسب الامر الاحلی سه نفر از آنها محمد صادق خان قاجار سر بنک توپخانه و میرزا عبد العلی

دامغانی طبیب و میرزا محمدی برودی هر دو مدرسه خارج مدرسه نامور شدند و باقی همه

در میدان بیرون درواز دولت مشول شق حرکات افواج پند سایر ولایات  
 قزوین از فرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند امسال در ولایت اربابی رعایا و  
 زمین خوب زراعت کرده اند اگر چه تا بحال بارندگی درستی نشده است امید دارند که بعد  
 ازین بارندگی خوب بشود اما در ولایت خالصه رعایا از خودشان بکین غله زراعت کرده بودند  
 بلکه بذر دیوانی را هم تلف کرده بودند مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان بیگ قزوین  
 در هر یک از ولایات خالصه آدم گذاشته و از خود بذر و مساعده داده است و در  
 تمام است که در خالصات تخم کاری میبود و باز هم در کارند امسال هم در خالصه و  
 در اربابی قزوین تخم کاری بهتر از سال گذشته شده است و آب رودخانهها خوب  
 می آید هر چه کاشته اند کلا سبز شده و رعایا کمال امید واری را دارند (دیگر نوشته  
 غله از اطراف صف و در جزین و بعد از قزوین می آورند و نسبت سابق زرخ غله خیلی  
 کرده و فقر آن تسویتی که داشتند رفع شده نان وجود گاه و در سب و روغن و سایر  
 و در بهم رسانده و از آنرا سابق است ختم از فرار یک در روزنامه نوشته  
 امور آذلایب احسن مراقبت مقرب انخاقان چراغعلی خان حاکم ختم قزوین استقامت  
 امور طرق و سوارع منظم در رعایا و برابرا آسوده خاطر با امور عیسی خود و دعا کونی ذات  
 اقدس سالیون شاهنشاهی غله اندک و سلطانه استعال دارند) (دیگر نوشته اند  
 که یک نفر هدائی دو دفعه در دی کرده و در هر دو دفعه فراخور تقصیر عیبیه شده بودند  
 فایده باحوال او کرده و در این اوقات مجدداً باز یک سمرق شده و مالی در دیده بود  
 مراتب باسبصار مقرب انخاقان چراغعلی خان رسید فرستاده او را اور و نوبال  
 مسزوقه از او استرداد و بصاحبش تسلیم شده و سارق را تنبیه و سیاست مقبول نمود  
 اخراج بلب کرد) (دیچین یک نفر اصغفانی در امامزاده رنجان مستی سید ابراهیم رفت  
 کلیم و قدیل و پیش صندوق انجارا سمرق کرده بود داروغه شهر خبردار شده او را  
 گرفته بزرگ مقرب انخاقان چراغعلی خان آورده چون بی احترامی نسبت با مژده فرستاده  
 کرده بود او را تنبیه زیاد نمود و بعد از تنبیه داد او را امار کرده و کرد بازار را که دانه اخراج

۲۷۷۵

# کرمان

از هزار یک در روز نامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت قریب انتظام و نصیبا ط کامل است و  
 امیرالامراء العظام سپهسالار حکمران کرمان در امانت و ولایت و حصول سود کی رعیت و انجام خدمات  
 دیوانی و انتظام طرق و شوارع و سالیس عابریں و مترودین مراقبت کامل بعمل می آورد و همچنین  
 عالیجاه مقرب حضرت میرزا محمد پیشکار آن ولایت همه روزها در دفتر نشسته با مستوفیان آن ولایت  
 مشغول رسیدگی محاسبات و معاملات و وصول و ایصال مالیات و رساندن وجوه قسط  
 و بروا و حوالجات دیوانی میباشد امور شهر و محلات از بابت کزیر و قراول و مستحفظ منصف  
 و کسی یا رای شرارت و هرزگی و حرکت خلاف ندارد (دیگر نوشته اند که عالیجاه ابداً  
 تفکداری که از دربار بایون حامل خلع مهر شجاع مرحمتی سرکار اقدس ملوکانه بود در یوم ۲۵  
 ربیع الاول وارد هفت فرسخی کرمان شده امیرالامراء العظام سپهسالار با جمیع اشراف و اعیان  
 و ارکان و امانی ولایت با استقبال حلف و طاعت شاکسته لوازم قربانیه و توقیرات و احترامات  
 خلع جویشید شجاع را بطن آورده و بقرای تفصیل ذیل تشریفات ملوکانه مخلص و مباهی آمده بصرف

۲۷۷۶

امیرالامراء العظام سپهسالار کج  
 جناب سرلخت بداری حاجی جناب سرلخت بداری احمد  
 رزمه از طالس خاص بدن سید خود استیلان قناری یک  
 ملا احمد حاجی رنگاری سلسله  
 پیکار یک نوشته چه ترس  
 عصائی مرفح

شربت و شیرینی و ادای خطبه و دعای ذات کلی صفات خردانی اقدام نمودند و شیرینی و حلویا  
 بصبج و صاحب مضبان تقسیم رفت (دیگر نوشته اند که تیر اجناس ماکولات کرمان  
 این اوقات از بیقراری است کندم حرواری دو تومان و هفت هزار جو خرواری هفت و دو هزار دینار  
 گاه خرواری پنجاه و پانصد دینار بر پنج همپایک من است و شش هزار دینار  
 کنگ یک من است و دو شاهی همپایک من چهار عباسی قدیک من شش هزار دینار نبات یک من  
 پنجاه و دو شاهی گوشت یک من هزار دینار شمع یک من دو ربال ایسه حرواری هفت هزار دینار  
 دغال حرواری بارزده هزار دینار و پر جو بات و میو جات بهمان قرار است و هر خردی کمال

د هزار دارد

### اخبار وول خارجه

از قرار روزنامه های فرانسه درین سال چون عموم محصولات فرانس از سالهای دیگر بیشتر آمده است  
 و احتیاج سبج بدین اجناس و ماکولات از دول دیگر نداشتند لهذا از جانب دولت فرانسه  
 قرار شده است از ذخایری که از خارج بفرستند می آید در هر یک سینه تخمها یا زرده ها  
 که در یافت شود چون تخمها را نولات از این معنی اظهار خسارتی که با آنها بر خواهد خورد نمود  
 و مستدعی شدند که این رسوم مگر موقوف شود لهذا از جانب دولت فرانسه موقوف  
 نمودن این عمل را بعد از انقضای مدت یکسال حکم دادند (از قرار روزنامه های پرورش  
 این نام که در دولت مزبور بعضی اشخاص داده میشد ترکیب خاج در آن نشان تعبیه کرده بود  
 در این اوقات در دولت مزبور قرار داده اند که نشان مزبور مخصوص است عبوی باشد  
 و برای سایر ملل نشانی دیگر اختراع کرده اند که بجای خاج ترکیب ستاره در او تعبیه شده  
 و ازین نشانهای تازه تاکنون سه قطعه به نواز ملت هوید داده شده است) (در  
 استریت از شهر زغره که محل حکومت ایالت الما جیاست تا بشهر موسسارسم تعرفه کشیده بود  
 در وقتی که طوفان و باد سخت روی داده بود و دیرک از دیرگهائی که سیم تعرفه از آنها  
 بودند باد بر زمین زده مأمورین تعرفه خبردار شدند چند نفر را فرستادند که آن دیرگه ها را  
 نمایند از آنها دو نفر دست بسیمهای تعرفه زده بودند سیمه ای که از طوفانی که روی داده بود  
 سیمها جذب صاعقه کرده بودند بجهت اینکه آن دو نفر دست بسیم زدند و از تاثیر صاعقه  
 هر دو هلاک شدند سیمه ای که سیم تعرفه در جمیع اوقات با قوه برقی با لوف است لهذا اعلام  
 کرده اند که بعد ازین دست زدن بسیم تعرفه در هیچ وقتی از اوقات جایز نیست) (این  
 سبج فروختن گاهی اشیاء کتبه زیا و بعضی سبج در می آید در این اوقات از جانب دولت  
 قوه زیادی یک قطعه بعضی سبج در آمده است آنها مبالغه کلی شده است) (از قرار روزنامه های  
 از چند ماه قبل ازین در ناپولی خسارتی در پی که از وقوع زلزله و سمیت بهم رساندن بعضی از  
 آنها می آید و طوفان و اقیانوس خیل از امالی آولایت و شعله گرفتن کوه سوزنده آنها و محترق  
 نمودن بعضی از باغات و سبب این و ازین تلفات که وقوع یافته امالی ناپولی این خسارت

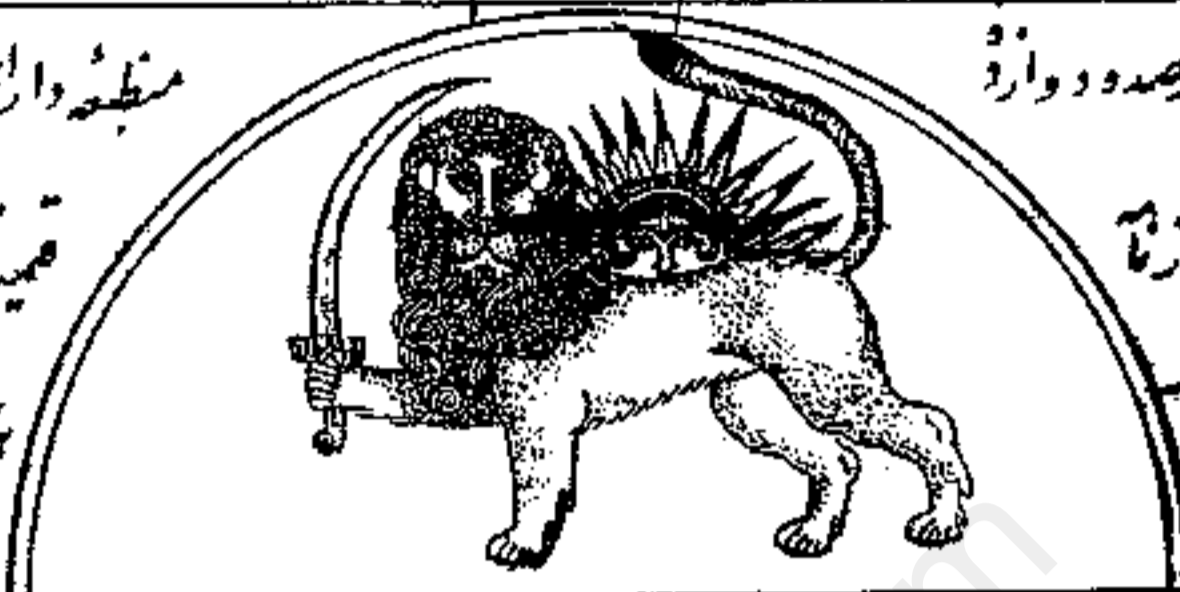
۲۷۷۷

از تاثیر ستاره و بنا به داری که چند وقت قبل این طلوع کرده بودید (دیگر نوشته اند که در یکی از کشتیهای مهات دولت نابولی که سیصد هزار دسته فشک در میان آن بود شخصی هر روز بوده است از روی دریاستنا کرده و فستقش مسراه برده بکشی مزبور زده فشکها دست گرفته کشتی را برهواند) (از قرار روزنامه های فلنگ شخصی از اهل سمر و ضعف کشتی موسوم کشتی پا اختراع کرده است بطول شش ذرع و بقت دوسه انگشت بکل کفش و از برای اینکه در استند دو بند با دست و با پاروئی که در دست دارد او را میراند و این صنعت را خیلی در آنجا دیده و در صد و یاد گرفتن از اینست و زیاده اند دولت نظر هر روز در آنجا جمع میشوند و کشتی مزبور را هر روز در روی دریایکوش انداخته و رفته رفته باز ورقها و کشتیهای توش کردن و کشتی دوانی را گذاشته اند) (دیگر نوشته اند که بسبب ناخوشی که در بنجاری ظهور کرده بود در بعضی مجال آن صفحات اصول و این را برقرار نمودند لهذا دولت روس سفایبی که از اسکندریه و بریه اشام به بندر کاهمانی که در سواحل بحر بالیک است میرود و فرار و آرد تا کنون معلوم این روی زمین نبوده است که کشتی تجاری از بریه اشام و اسکندریه به سواحل بالیک رود از این قریبین حال معلوم میشود که کشتیهای تجاری از آنجا آمد بریای بالیک آمد و رفت داشته و دارند) (روزنامه های که در فرانسه و انگلیس طبع و نشر میشوند از هر روزنامه هر دو ولتی که بان میخورد و دامنه بنامند صد دینار گرفته میشود و در انگلیس یک روزنامه است که بنام یک فقه سردن می آید صد و چهل و یکد مشتری دارد و روزنامه تلمیس نام هم هست که روزی بیرون می آید و شصت هزار مشتری دارد و این روزنامه هر یک صد دینار و ده انگار میشود) (چند وقت قبل این در شهر لوگرت مجتمع یکی دینا قریبین خانه ساخته بودند چون این شهر مذکور از قانون فرانسی خوششان نیامد لهذا قرائنه خانه را آتش زده و سوخته بود) (دیگر نوشته اند که از نابولی راه سیم تلغراف که از میان دریایا جزیره سیلیا کشید و بود چندی قبل در یک طوفانی یکی از آلات این کشتیهای تجاری سیم تلغراف پیچیده و سیم را ماره کرده بود چون ساقایر بکشتیهای دولتی و تجاری امر تمیز شده بود که احتیاط سیم تلغراف را داشته باشند که ادوات این کشتیها سیم نخورد بعد از وقوع این خرابت هر چه خوشند بدانند که این عمل از چو دان که ام یک از این کشتیها بود هنوز معلوم نشده است

۲۷۷۸



روزنامه قایم اتقا قیاسخ یوم شنبه هم سهر وی الاولی مطابق لیل نوبت

منطقه دار اخلان طهران		مره چهار صد و دوازده
قیمت اعلامات		قیمت روزنامه
هر سطر در هر خط		هر نسخه در هر خط

اجبار و چند مالک محروم پادشاهی

دار اخلان طهران

سرکار اعلیحضرت آهوس بیون شاهنشاهی که بکارگاه جاجر و دتشریف فرم شده بودند چند روز در اینجا توقف فرموده از هر قبیل بکار و اوان زدند و انعام بکار چنان و تیر اندازان و ملزمین رکاب بیایون رحمت فرمودند بر وجود مسعود بیایون بسیار خوش گذشتند بیایون میرزا مهدیخان حاکم دماوند و محمد طاهرخان کردی که در الترام رکاب مبارک خوب از عهد خدمت بر آمدند هر یک خلعت رحمت فرموده در روز چهارشنبه ۱۱ ما التو که والا اعلان مبارک مبارک سلطانی و مقرر تسلط عظمی رحمت و در عمارت مبارک سلطانی ترول اعلان فرمودند ( نظر باینکه مقرب الخاقان مسعودخان میر نیجه قره اوز لویه صدر خدمات عمده و نمایان گردیده و جان نثار بهای شایسته و شایان تقدیم کرده خدمات او در خاکای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان موع قبول و احسان یافته بود محض شمول رحمت شاهانه او را بقلب علیل ناصر الملکی سرافراز فرمودند و چون انتظام مهام سواره نظام که همواره رکاب نصرت فرجام بیباشند همواره منظور نظر خورشید ارض خدیوانه بود و سهر سستی سواره مزبور را علاوه بر سایر خدمات محوله بعهده اتمام مقرب الخاقان شارالیه محمول و واکدار فرمودند که مراقبات کافیه عمل آورده سواره مزبور را در کمال ارادتگی نگاهدارد ) ( نظر بطور خدمت گذاری و صداقت عالیجاه مقرب الخضره میرزا نصیر که خدا باشی در بیایون

۲۷۷۹



و در فورم اسم مکه سرکار اقدس علی حضرت پادشاهی صان التذ شوکت عن لبتماهی فرمان برون  
 بافتخار عالیجاها شارالیه صادر و حکم و مقرر شد که کما فی السابق در شغل و عمل خود مستقل و برقرار  
 و لوازم شغل فریبور بعد از او مقوض و موکول باشد سایر ولایات  
 اوزر با یگان از قرار روزنامه اوزر با یگان امور الولات قرین انتظام است و تمامی  
 جا کران دیوانی از اعالی دادانی هر یک بانجام خدمت محوله خود مشغول و لیل و نهاراً  
 مراقب نظم ولایت و رفاه حال عتبت باشند خیر روز قبل جا بار دولتی از دربار جا بار  
 وارد تبریز شده بعضی احکام و فرامین مبارک در باب انتظام امر ولایت و مأموریت توابع  
 و الاموال و له بهرام سیر از حکمرانی اوزر با یگان بافتخار بعضی از جا کران عمده و کارگذاران امور  
 دیوانی اوزر با یگان شرف صدور یافته بود مصحوب جا بار فریبور بر تو وصول افکنده میفرست  
 میرزا فضل الله خان بیکر یکی جمیع امنای دیوانخانه مبارک که و گد خدایان محلات را بدیوانخانه مبارک  
 حاضر آورده فرامین مطاعه را ابلاغ و مضامین عطف وقت اینها را گوشه خاص و عام نموده  
 یکی اظهار شکر کداری نموده و صدای دعای وجود اقدس و ذات مقدس سرکار اعلی حضرت  
 قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه بلند نمودند (دیگر نوشته اند دور روز قبل از حرکت  
 میرزا فضل الله وزیر نظام از تبریز حسن نام قهوه چی مشارالیه که ده تومان برای تدارک سفر  
 گرفته بود مقفود شده برادران او پیراهن و سایر لباس اورا خون آلود آورده مذکور  
 داشتند که برادر مارا الواط کشته اند و کاغذی هم از میان طمبوس او بیرون آوردند که نوشته  
 بودند که حسن را هر چه منع کردیم که عقب زمان مردم بالامر و ازمانشید لهذا اورا سزای  
 خودش رسانیدیم با جمله مشارالیه هم قاتل را حکماً میخواست و بیکر یکی شب در روز تقیض و  
 جستجو بود و بعد از دو سه روز معلوم شد که حسن نام رنده و در دست جناب سید حمزه است  
 و محض تعجب این عمل را نموده است بیکر یکی آدم کد استه در این روزها اورا زنت بیرون آورده  
 تنبیه شایسته نمود) (دیگر نوشته اند دو ساعت از شب گذشته و در غریبه قزاق یعنی تبر و بیکر یکی  
 آمده عارض شدند که دو نفر از الواط زن مارا میخوانند از کوچ بکشند و از چند نفر فرانس و ستاره  
 الواط را تعاقب نمودند اول ضیعه را دیدند که تنهام راحت کرده بود از او جویا شدند گفت بعضی

۲۷۸۰

میردند سیاهی شمار که دیدند رنگ کرده گریختند و مجال هرزگی دادند نیافتند نشان  
 از هفت رقیب یکی از آن دو نفر را دستگیر کردند و دیگری بدر رفته هنوز دست نیامد و متواریست  
 و آنکه دستگیر شده بود بیکر بیکی او را تلبیه مقول نمود (دیگر نوشته اند که حاجی <sup>خبر</sup> حاجی  
 نام صفهانی که مدتی در قلعیس تجارت می نمود چند وقت قبل ازین اقلیس مرآب حجت کرده  
 و نفر از اهل تبریز با او رفیق بودند درین راه ساعتی از لعل او زمین افتاد و شقیج نام مرغی  
 که یکی از رفته ها بود ساعت را پرشته و بعد از ورود به تبریز فروخت و ششاه ازین مقصد  
 گذشته بود در این اوقات حاجی مذکور گذارش ساعت را بر سبیل حکایت مذکور میباش  
 بیکر بیکی جو یا شده بود که رفته های خود را می شناسی گفته بود که یکی شقیج نام امیر خبری است  
 معلوم شده بود که شقیج نام از الواط و شهر مشهور و بالفعل جمله تقصیر در حسن است فرستاده  
 او را از مجلس حاضر آورده خود بگردن گرفته و نشان داد که ساعت را بفلان تاجر بده من  
 فروخته ام بیکر بیکی ده منات را داده بودند تا جو مذکور داده ساعت را گرفته آوردند و لعل  
 نسیم نمود (دیگر نوشته اند که شبی شش ساعت و نیم از شب گذشته یک باب <sup>صتیغی</sup> دکان  
 که محلو از میزم بود در بازار قدیم آتش گرفته گریه و گشکی خبردار شده و دارو خود را اختیار نمود  
 با از دو مقام پاشیدن آب و ریختن خاک آتش را خاموش کرده نکند آتش که بازار  
 و سایر دکانین مهلت نماید) (در باب اجناس و ماگولات اولایت نوشته اند که  
 این اوقات هر چیزی نسبت سابق و فزیم رسانده و از امر از سابق شده است  
 از جمله نان و گوشت و دغال و همه که از ماحتاج عمده است نسبت سابق تفاوت کلی کرده  
 و عسوم مردم خصوصاً فقرا و ضعیفان این حمله کمال دعا کونی و شکر گذار را دارند  
 (دیگر نوشته اند که یک نوصتیغ نیز بیکر بیکی آمده اظهار داشت که دو من نیم من  
 از دکان من بفرقت برده اند ما را لاله دارو خود را خواسته و مطالبه مال مس و قدر نمود  
 دارو خود بدکان صتیغ رفته هر چه ملاحظه کرده بود از خارج معلوم شده بود کسی با آنها  
 آمده باشد کمان بشاگردان همان دکان برده خواسته بود آنها را بگیرد آنها از دارو  
 یکت مهلت خواسته شبانین را آورده بجای خود گذشته بودند

### اخبار و خارج

فرد قرار یک در روزنامه فرنگستان نوشته اند در شب سید هم نشین اول در شهر توریخ پورخ واقع در اسب یک  
زلزله شدید و لوله انداز آن اطراف گردیده و از شهر مزبور یک محلی بقدر دو فرسخ زمین فرو رفته است  
و دیگر نوشته اند در پاریس پای تخت فرانسه چیزهای تخته و با فایده که ایجاد و اختراع میکنند صاحبان این  
بعضی خیلی مردمان غیر بی بضاعت میباشند و باین جهت سائل کف در آن ولایت بسیار کم است و هر کس در  
اقدار و استعداد خود صرف انکار بر اختراع و ایجاد این مقوله کار نامی نمایند و امر گذران و تعین آنها مختص  
کار است و غالباً عبرت می گذرانند لهذا بعد از این قرار گذاشته اند که همیشه یک روز یک مجلس ترتیب داده  
نمایند و در آنجا با فایده است صاحبان انعام و اکرام نمایند و اگر کار بی فایده است صاحب  
آن کار را از مشورتی آن منع نمایند و اعضای این مجلس از هر طغی که باشد داخل اجزای شود و در روزنامه پاریس  
اعلام کرده اند در روزنامه های سابق نوشته شده بود که شخصی نیکی دنیائی بسین سبت ساله که در شطرنج مهارت  
کامل داشت بلند آمده بود و در آنجا از خیلی آدمها برده بود در این اوقات شخص مزبور پاریس آمده و در آنجا  
از شطرنج بازیهای مشهور با هشت نفر هشت بازی در یک هفته کرده و سه بازی را باخته مابقی را همه برده و شش  
حساب کرده اند که در این بازی هاسیصد و پنجاه حرکت را در زمین خود ضبط می نمایند و اعلان کرده اند  
که هر کس بخواد با او بازی کند اگر او را برده مصارف راه آن شخص را ببلاده یا نصف لیرا به او بدهد و اگر باز  
صد لیرا بدهد و دیگر نوشته اند که در نیم اول گذشته در جزیره کوبه که با این قطعه جنوبی و شمالی نیکی دنیای  
واقع و در تحت حکومت اسپانیول است در کشتی سازخانه شهر هونو در یکسایه ناری پنجاه هزار حقه باروط  
و خیلی قیس و فشنگ موجود بود ناگاه آتش گرفته صد و پنجاه آدم تلف و دو سبت تجاوز مروج گردیده و بقدر  
بست قطعه کشتی شکسته شده و کشتی سازخانه را سرخراب گردیده و بقدر سیصد باب خانه خراب شد و  
تیشته های خرابه کلا شکسته شد و همچنین کاس خانه که کارخانه چرخ است یک دفعه آتش گرفته و سوخته است  
و راهها که بنامها از آن کارخانه کشیده شده بود پاره پاره شده و این قوعات تا سفته خیلی وقت است  
که مانند شش وقوع نیافته بود و دیگر نوشته اند که در انگلیس چند وقت پیش از این یک کشتی از این بقلبت چهار انگشت قرار  
گذاشته بودند باز آمد که در انامی حرب کلون توپ باو ضرر رساند و کشتی مزبور را ساخته بجز به گردند و این توپهای شش  
که تازه اختراع کرده اند کلون اش زودتر است بلانیکه بسینه مزبور تاثیر خواهد کرد و اختراع دیگر کرده اند که باقی استری بوی کشتی مزبور کشیدند  
و بجز به گردند کلون توپ شش خان تازه اختراع اصلا باو تاثیر نمی کند

۲۷۸۲

### اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه‌های فرنگستان نوشته اند که توآب ارشد و کفیلین برادر علیحضرت امیر اطوار  
 استریه که قائم مقام ایالت لومباردیا و ونده یک است برای تبدیل هوا بحریره قور و غنیت  
 نموده اند و از آنجا حکام است که بجانب مصر و سکنند و غنیت نماند چون این غنیت توآب  
 مغزی الیه من غیر رسم است لهذا اسم ایشان هم درین غنیت موجب روزنامه‌های استریه  
 بقوت میره مارا تبدیل یافته است (دیگر نوشته اند که در سواحل انگلیس و فرانسه و ونده  
 در طوفانی که در اوایل ربیع الاول ظهور یافته بود از کشتیهای تجاری چاه و بیچ قطعه کشتی که چهار  
 آن کشتی بخار و مابقی کشتی شراع دار بوده است غرق و سکنند گردیده است و ازین کشتیهای  
 بخاری یکی از مال بعضی بخار سلامت مبول حل داشته است و بجانب انگلیس مرفقه است و هر چند  
 کشتی هم از مال بخار و خیره حل کرده از سلامت مبول و سکنند ریه حرکت نموده از پنج ماه قبل ازین غایت  
 تاکنون خبری از کشتیهای مزبور و امالی آنها نیست) (بهر آنکه چند وقت در روزنامه‌ها نوشته اند  
 سیم طغراف که از انگلیس تا یکی دنیا مشکلات بسیار از دریا کشته اند بعد از چند روز نفوذه بر فیه اول  
 راه یافته بخار به بروق مطلوب یعنی نموده و امالی انگلیس و یکی دنیا ازین جمله بسیار متاثر بودند  
 در این اوقات از امالی یکی دنیا شخصی را نیز نام هر طور بوده است خرابی سیم مزبور عار بود  
 و با مر مخاربه اقدام کرده اند و تا ستم امالی مزبور تبدیل بخوشحالی شده منبر و معرفت این شخص در  
 همه سیدیه و شایسته تحسین گردیده مع المنوبه در روزنامه‌های انگلیس این گزارش نوشته  
 (از قرار روزنامه‌های یکی دنیا مابین دولت انگلیس و مجتمه یکی دنیا روابط حقوق و محبت رفقه  
 رفقه برقرار شده و بجهت اینکه مجتمه یکی دنیا پیش لغایت حاصل آورست و از اضنی و وسیع و قابل  
 بجهت ملکن نمودن در آنجا از خیلی وقت قبل ازین از فرنگستان از هر صنف تبعه یکی دنیا مردم بسیار  
 رفقه اند خصوصاً از انگلیس و از بحریره ابرند که عبارت از نصف خاک انگلیس است که مقابل انگلند بسیار  
 و این امالی ابرند که به یکی دنیا رفقه اند اغلب برضنا و عبت خود در سکنه عسکره یکی دنیا در آمده اند  
 در این اوقات بقدر دو فوج از عساکر مزبوره با ضابطان خود از برای دیدن وطن خود و یکدیگر  
 توقف و گردش کردن و مابز به یکی دنیا معاودت نمودن خواهشمند شده اند و مصارف آن

۲۷۸۳

آنها از جانب مجتهد یکی دینا و مصارف حجتان از جانب دولت انگلیس شده است (دیگر از  
 قرار روزنامه روسی فرانسه از ضابطان عساکر بری فرانسه یک نفر سرهنگ و دو نفر لویز با  
 در محاکمه مأمورستان سو، حرکت و اخذ رشوت و سرقت آنها معلوم گردیده سرهنگ فریور  
 با یکی از لویز با سبها از سگ عساکر به اخراج و تادمت چهار سال حکم محبس آنها شد و یکی لویز با  
 دیگر تادمت پنج سال حکم شد که حبس باشد) (دیگر از قرار روزنامه های فرانسه سبیه ریاد کردن  
 قنون سحری فرانسه درین سال پنجاه و پانصد نفر عساکر سحری بفرعه گرفتن از جانب وکیل  
 سحری دولت فرانسه اعلان شده است) (خبر ابر حسیمه بیان که چنان نیز مینامند و در حقیقت  
 شرفی چین واقع و تابع چین است الهی آنها از جنسی سالهای قبل ازین با ایل دولت فلانک  
 و تجارت داستند و بجز ایل آن دولت الهی دول دیگر را با تجارت راه نمیدادند تا دو سال  
 ازین دولت های انگلیس و فرانسه و روس و مجتهد یکی دینا راه اختلاط و امتزاج و تجارت با جز  
 فریور کسود و بعد از آن از دول فریور به مأمورین مخصوص چین ارسال شده بعد از رفع مسئله چین  
 مأمورین فریور بجزایر چین معاودت کرده و در آنجا برای اقامت نمودن تجارت فرنگستان و داد و  
 ستد و معاملات آنها پنج بند مخصوص تجارت در آنجا کسوده شده و معاهده تجارت قرار داده  
 از وقعات رسیده چین این گذارش را نوشته بودند) (از قرار روزنامه های ساردینیه  
 دولت روسیه چون در سواحل بحر سفید لنگرگاه مخصوصی ندارد و بجهت ساختن کشتی در وقت  
 ضرورت و پرداختن به تعمیرات کشتیها در وقت حاجت لنگرگاه و بنا فرایقه نام که در سواحل  
 ساردینیه واقع است از جانب دولت ساردینیه بدولت روس و اگذار شده در این اوقات  
 از جانب دولت روس برای ساختن حوض کشتی سازخانه و استحکامات دیگر خد فریور  
 با آنجا فرستاده شده است) (دیگر از قرار روزنامه روسیه لوات غراند و قسطنطنیه برادین  
 اعلیحضرت امیرالمورد روس که وکیل سحریه دولت فریور است در این رستان غزیت قسطن  
 در کشتی سازخانه لواتون نموده و بعد از انقضای رستان معمر است که بلنگرگاه و بنا فرایقه که از  
 جانب دولت ساردینیه بدولت روسیه ترک شده است رفتن به بنای حوض و استحکامات  
 سایر آنها اقدام نماید

روزنامه و بیاع ثنائیه بیاغ پنجشنبه چهارم جمادی الاول مطابق...

عمره چهارصد سی و سه

منظومه در اختلاف طهران



قیمت وز نامه

قیمت اعلانات

بر سطرهای...

بر سطرهای...

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارخستاه طهران

چون نواب اشرف الاحتمه الدوله حسن میرزا سابقه در ایالت مملکت خراسان مجاز کفایت کفایت است... (The text continues with a detailed account of administrative matters, appointments, and reports from the province of Khorasan.)

۲۷۸۵

ولیکن این اوقات بعلت متاعب اسفار طولانی و آلام مهاجرت ایام جوانی ظام را نیز محتاج تقصی کردیده لهذا حضرت اشرف ظل اللہی <sup>سید</sup> که در ادای حقوق و قدرانی خستام صدیق در گاه فلک استیلاء معدن مرحمت و مکرمتند بمحافظت کور و بلقعات بقبضه عصای مرصع جناب مشارالیه اقرین مستیاز و افتخار فرموده مقرر داشت که پوشه با عصای مرحمتی شرفیاب حضور مرحمت ظهور همایون آید که چون امور صنایع معادن و تجارت ولایات مملکت محروسه ایران بحسب امر قدر قضا جریان بمقرب کاخان محمود خان ناصر الملک محول و مرجع است لهذا حکم همایون بادشاهی شرف نفاذ مقرر گردید که اگر فایده جماعت تجارت و ادوات و کسب اتفاق افتد یا دیگران ادعائی بر بخت رداشته باشند کسی بیوانحانه مبارک که یاد نزد سایر اولیای دولت قاهره عارض شود باید اولیای دولت علینہ و امنای دیوانخانه مبارک که عمل او را بنجد مقرب کاخان ناصر الملک رجوع کنند که خود مشارالیه رسیدگی کرده بگذرانند بدون استهزار و اطلاع مشارالیه بمورخ و اهل صنایع و معادن رسیدگی نمایند که نظر بحسن خدمتگذاری و صداقت شکاری عالیجاه مقرب کاخان حاج محمد خان حاجب الدوله که در شکار گاه جاجرد بعرصه ظهور رسیده مرحمت و عنایت کماله علیحضرت اقدس همایون شایسته می بود و خاندان شامل احوال مشارالیه شده بعد از تشریف فرم شدن بدو اختلاف مبارک که یکوی کلمه ابره تر نه لاکلی بطبانه سنجاب ازین پوش مبارک بمقرب کاخان مشارالیه مرحمت و عنایت فرمودند چون عالیجاه مقرب حضرت کاخانیه میرزا محمد غنی و ذوالخاصه وزارت امور خارجه چه در ایام شیکری در دفتر سایل خاصه چه بعد از اموریت در وزارت امور خارجه در مراسم خدمتگذاری مجددانی و سعی بجا بظهور آید و اوقات شبانه روزی خود را صرف خدمت نمود و از لوازم بندگی و تقدیم شرایط ارادت پیوسته و حال و غفلت میکرد لهذا حسن صداقت و فرط امانت عالیجاه مشارالیه در حضرت مرحمت آبت همایون کمال پسنیده و مستحسن افتاد با عظمای منصب جلیل ریاست فرخان وزارت امور خارجه سرافراز و نشان درجه اول سریشکی و حایل مخصوص آن بموجب صدور فیضان مبارک هر لمعان شایسته و معجز و ممتاز

۲۷۸۶

### اخبار شون طفر نمون

تو پیمان زنبور کچیان و افواج قاهره متوقفین دار اختلاف عمر روزی در محل مش خود حاضر شد مشغول مشیستند صاحب منصبان کلا در تعلیم قواعد نظام و مشی کمال مراقبت ادا کردند و چهارشنبه شانزدهم که موکبت همایون از شکار گاه جاجرد مراجعت میفرمودند عموم صاحب منصبان و افواج قاهره در خارج شهر



دارا خلفه حاضر گشته صف نظامی کشیده همه مورد التفات نوازشات طوکانه شدند دو فوج هشتم و نهم  
 اردوی جمعی مقربان خانان یوسف خان سرنگ که احضار رکابت یون شده بودند وارد شدند در میدان ارک  
 مبارک حاضر شده بنظر مبارک که مایون رسیده بسیار سخن و مقبول افتاد و مورد التفات طوکانه کشیده  
 توان بهر دو فوج بسم انعام و رحمت فرمودند و بسرکار نظام بالحمد والاحتشام امیر الامراء العظام سپه سالار  
 مقرر فرمودند که مواجب تدارک و چهره عرض راه آنها را بزدی داده ما بوند خراسان در خدمت نواب  
 مستطاب الاحشمة الدوله روانه نشو سرکار معظم الیه نیز در دو روز همه ما بحتاج و مواجب چهره آنها را در  
 دیوانخانه نظام پرداخته و آنه شدند و همچنین دولت نفر توپچی بسرنسکی عالیجاه حاجی عسکر آقا سرنسک در  
 عزاده توبه باقورخانه و طرودات مأمور خراسان کشته با تفاق فوجهای مزبور روانه شدند فوج زرنگه جمعی  
 عالیجاه میرزا احمد خان زرنگه که احضار رکابت مبارک شده بودند وارد شدند در میدان ارک مبارک بنظر  
 مایون رسید مورد نوازشات شدند فوج خلخالی که احضار رکابت یون شده بودند بعد از ورود حضور  
 که از جانب شیخی خان سرنسک نسبت به آنها تعذبات یاد شده حسب الامر مایون سرنسکی فوج مزبور عالیجاه  
 عبد الحسین خان مرحمت شده و حکم مایون شد که سرکار امیر الامراء العظام سپه سالار بحجاب سرنسک سابق  
 و فوج رسیدگی نموده از روی حقیقت حکم عدل نماید سواره شایسون ویرن جمعی عالیجاه لطف الله خان و سواره  
 افشار جمعی عالیجاه محمد خان که مأمور خراسان بودند از آن مرضی حاصل کرده مراجعت نموده وارد ارک  
 شدند مقرر شد مقربان خانان این لشکر سان آنها را دیده مرضی خانه شوسواره افشار اردوی جمعی  
 عالیجاه عبد الحسین خان که مأمور استرا با بودند مرضی شده وارد ارک بخلاف شده سان اده مرضی  
 افواج سمنان دامغان جمعی مقربان خانان مصطفی خان سرنگ که مأمور استرا با بودند بعد از انعام و نجات  
 خدمات محوله از جانب ولیای دولت علیه حکم مرضی فوج سمنانی صادر شده که مقربان خانان مشار الیه  
 فوج مزبور را آورده و فوج دامغانی در استرا با باشند عالیجاه مشار الیه فوج سمنان را آورده و دستور  
 خدمات فوج دامغانی را داده بهمانجا که است در عرض راه فوج سمنان را مرضی خانه نموده خود شرفیاب  
 خاکپای مایون گشته مورد التفات نوازشات طوکانه گردید فوج حومه شیراز از قرار که بی عرض حضور  
 مبارک رسید بسیار بی نظم شده بودند حسب الامر مایون عالیجاه محمد آقا سرنسک سابق فوج قرانی مقرب  
 سرنسکی فوج مزبور سرفراز گشته مأمور شد که رفته تا تمامی فوج مزبور را از همه جهت تمام  
 نموده بش عید رکابت مبارک بیاورد

۲۷۸۷

## سایر ولایات

کرمان از شهر یکی در روزنامه آنجا نوشته اند حاجی محمد ابراهیم نامیت مشهور بجای اللهوریدی یا  
 و چند سالست عیالش را نیز برده و لکن اکثر اوقات در خبیص می باشد و اطلاق معشبه در آنجا دارد و همیشه  
 طالب آثار خیر باشد از جمله رباط طیت که در سبز بزرگ هشت فرسخی یزد است بنا که نشسته قناتی کند که بقدر  
 سی فرسخ سنگ سخت ابریده بآب قناتی میرسد نزدیک باط و اما حال منزل گاه کل مشون و متره دین بود و کرمان  
 در منزل گاه مذکور که منحصر بود بمسجد خرابه و از پی آب جاری در زستان آبستان پایست بقدر نیم فرسخ بود  
 که بال و دو آب است بهند حال با ابراهیم می کند که آب شتر هم بسای خود نزدیک است باط می روند و آب  
 می خورد و تخم پیاز شکر تو مان خرج کرده و دیگر رباطی بسیار بزرگ بکج و آجر و سنگ چهار سالست در منزل  
 انار ساخته و یک آب انبار سرد رسیده مقابل رباط ساخته و بقدر پنج شش هزار تو مان خرج آنجا نموده و دیگر  
 رباطی در منزل باغین پنجره سخن شکر کمانت هفت سال است ساخته پنج و آجر و دیگر یک آب انبار بسیار بزرگ  
 و دو حمام پهلویش سه سال است و یکی از محلات شهر کرمان که سابقا منحصر بآب چاه بود ساخته و دیگر قلعه ده  
 سیف و در خبیص که معبر و آب گاه بلوچ است ساخته آب انبار بسیار بزرگی بسیم که دو شیر دارد و پهلویش قلعه خبیص  
 ساخته است که قبل ازین مردم در تابستان آب گرم می خوردند و حال در زستان که آن آب انبار را از آب  
 رودخانه پر میکنند در تابستان کل اهل خبیص را آب سرد کوار امید و یک جفت آب انبار ساخته با احتیاط  
 بلوچ مثل قلعه است دیگر در کثیت که بلوک کوچکی است تا پنجم و خبیص در راه قافه خراسان قاین و سیستان  
 می نورد جای است چون یک مشارع است قلعه محکم است جهت باط بلوچ ساخته از باب است این آثار خیر که مردمان  
 و ثبات است و سودگی حاصل شد درین دولت ابد مدت عموم خلائق بشکرانه این نعمت عاکومی دوام دولت و شوکت  
 ذات اقدس علی حضرت قبله عالم روح العالین و نداء پاشند و مغیرا کبیرا بدعا کونی اشغال دارند  
**صفهان** از شهر یکی در روزنامه آنجا نوشته اند امیر الامراء و اعظام عیسی خان همتادالدوله حکمران  
 صفهان در اشطام امور ولایتی دیوانی و وصول و ایصال شخواه مالیاتی و تقابسی دانی و اجتام کانی  
 دارد و مستوفیها و اربابان مسلم و در فرمانه هر روز شخص ابی بلوک می نمایند و در حصول مویجات سودگی  
 رعیت از هر بابت قشای مراقبت را می نمایند و دیگر درین ایام نزول رحمت الهی شده برف بارندگی شده است  
 و امید است که بجهت محصول خوب باشد از هر جهت ارزانی و منفردانی حاصل است

اجساد اول خارج

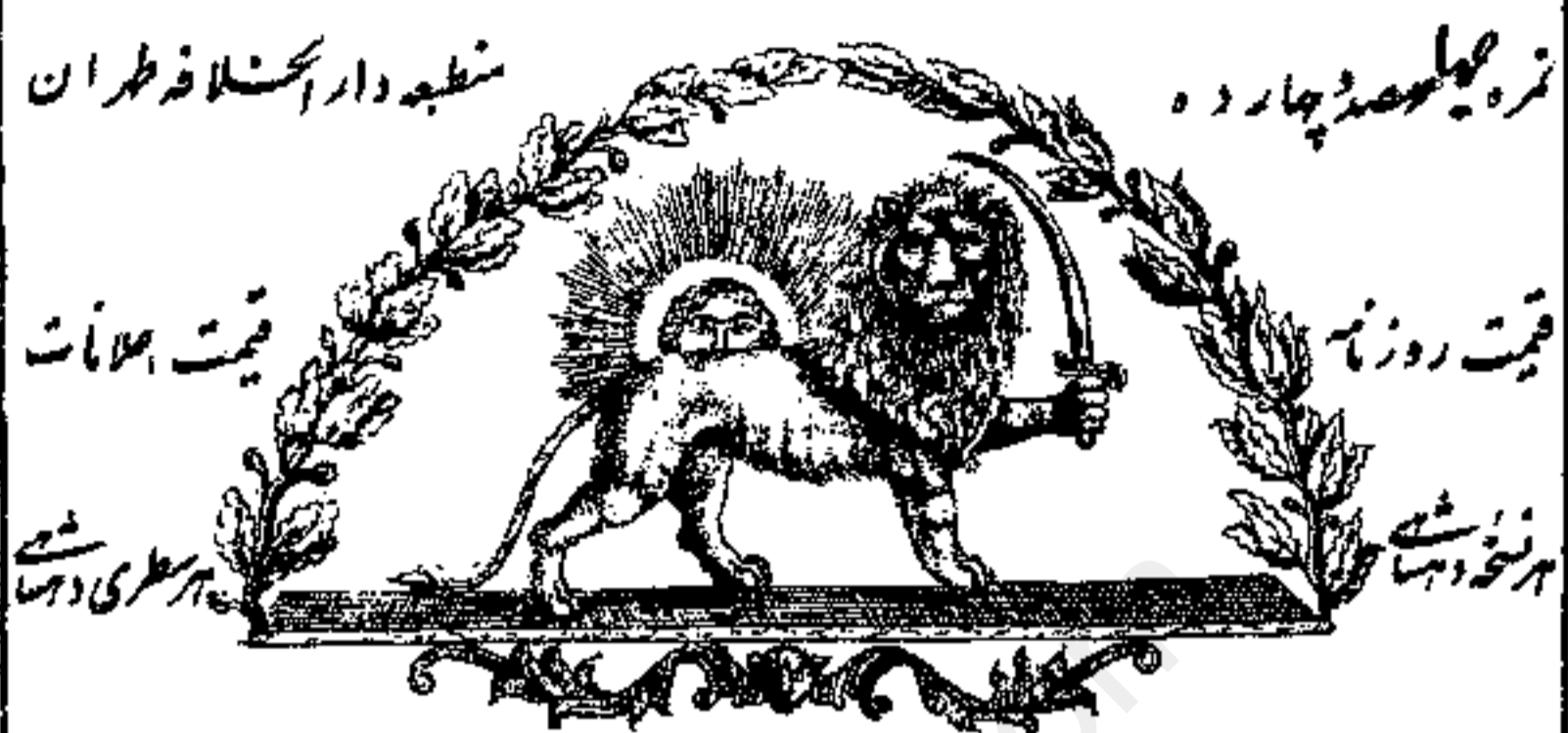
در روزنامه‌های سابق نوشته بودند که از جانب پرم که از جا بپرتشته انسه عتیق است یک کشتی که از سواحل انگلیس و فرانسه سیاح حمل نموده بود که به نیکی دینا پساورد در آتش راه آتش در او ظهور کرده زیاده از ششصد نفر که در او بودند آتش گرفتند بموجب روزنامه که بعد رسید در درون این کشتی خیلی موشب بوده ایجه دفع این موشها قو و ان کشتی حکم کرده بود که یکی از عمله جات یک سیخ آهنی با آتش سرج کرده یک چلیکی که زفت داشت فرو برود و در زفت موشها را تلف نماید درین پن سیخ آهنی هر طور بوده است از دست آن شخص میان چلیک افشاده در حال زفت آتش گرفته و با طرف سرایت کرده و کشتی شروع بپوشن کرده بود و چند ساعت امتداد یافت و بجهت آنکه سیاحان زیاد دست و پا کرده بودند و زورق در کشتی موجود بود کفایت سپرون آوردن تمام ملل کشتی را بگر در آتش این واقعه شش قطعه کشتی که در آن حوالی بودند و کشتی با بنجار سیدان غریق شد و هفت نفر که در روی شخته پارا بودند خلاص کرده بودند و از این سیاحان شخصی با پشت نفر اولاد و یک نفر عیال بود برای اشخاص آنها هر قدر فکر کرده بود چیزی بنحاطش بر سیده بود اولاد او را خود را یکی یکی بدریا انداخته و بعد از آن غیال خود را بدریا انداخته و خود عقب آنها خود را بدریا انداخت و یک شخص دیگر شب آب افشاده هشت ساعت در میان آب بود صبح او را دیده سپرون آوردند و آن چهار کشتی دیگر که باید ادینامه بودند از کدام دولت و در زیر حاکم کدام دولت و نشان چه بود تحقیق شده و از جانب حکومت و عدده شده بود یکی که خبر این کشتیها را بدید و این وقعات متاثره بسیار سبب اتفالی آنجا گردیده بعد از این تشرار و او اند که کشتیها که سیاح بان اطراف حمل نمایند و لاما مورین لنگر کا به آنها را باید معاینه بپسند زور قهای بسیار جیم در آن مهیا دارند که در وقوع اینگونه امورات سیاحان را تماما بتوانند از غرقه خلاص نمایند و باین احوال هر کس رعایت نکند از جانب حکومت تا او سپشود و گذشته از آن بهر سیاحی مخصوص چیزی که با آن بتواند چنین اوقات در روی دریاشنا نماید ساختند و یکی هم در چنین وقتی کشتی آتش بگیرد چیزی ساخته اند که بشدت ضرب آتش را خاموش نماید و در وقت ضرورت کشتی استعمال نمایند در روزنامه‌های انگلیس نوشته اند

و یکبار از قرار روزنامه‌های انگلیس جزیره جمیله استرالیا که در بحر محیط معتدل کبر واقع و در زیر اداره دولت انگلیس است در سمت جنوبی جزیره مزبور از نشش هفت سال قبل از این معادن طلا ظاهر شده و بجهت پیرون آوردن طلا از آنالی اروپا و آمریکا و آسیای خلی اشخاص بجزیره مزبور رفته اند و مشغول رود طلا می‌باشند چون این اشخاص در آنجا عیال ندارند و طایفه نوان نیز در آنجا بسیار کم اند لهذا بجهت تکلیف مردم در آنجا از جانب نامورین جزیره مزبور یک مجلس منعقد گردیده است که اگر بجهت آنجا عیال از انگلیس بیاورند و آنهارا متاهل نمایند این اشخاص در آنجا خواهند ماند و اینصورت از طایفه نوان که در این مجلس قرار شده است که هر کس موافقت نماید و بجزیره مزبور برود گذشته از مخارج عرض راه انعام و کرامت دیگر نیز بآنها شود و هر کسی کفیلی داشته باشد رفتن او را بان جزیره قبول و در حق او انعام مقرر داده خواهد شد و از طایفه نوان خیلی بانصورت موافقت و پی در پی بجزیره مزبور روانه می‌شوند از قرار روزنامه‌های فرانکستان بریشم در فرانکستان دو سال است که خوب بعل می‌آید و از جاهای کوشم خوب بعل می‌آید نامورین فرانکستان و تخم بریشم خریده بودند باز هم خوب بعل نماید و چون این محصول بریشم در فرانسه و استریه و بلجیقا و ایتالیا از برای اکثر اهالی آنجا تجارت عمده بزرگیت این خرابی بریشم باعث خسارت و ضرر صاحبان بریشم شده است بجهت رفع این علت پیش آمدن محصول بریشم نسبت نیکی دینا و قطعات آسیا در جاهای که بریشم بعل می‌آید از جاهای فرانسه و استریه و بلجیقا از آنالی کونبارویا و اصحاب ثروت دو نفر نامور گردیده اند که آنجا را گردش کرده و تخم بریشم خریده و با اهالی آنجا با هم وجوهی سوای قیمت بریشم بدین روش نوشته اند بقراری که استغنی از تعریف و سپان است در وقت ضرورت اردو که بختلی پیرون بسرد و بجهت نقل آذوقه حیوانات بمشقت تمام حاصل می‌شود در این اوقات در انگلیس شخصی از گاه و جو خمری اختراع کرده است و اکنون در سراسر پادشاه انگلیس در بعضی تشکلات قبا حیوانات از آن خمیر سیدهند و بهرجهت بسیار با محنتات چیزی است و درین حاجت در اختراع اردو حمل و نقل آن سهولت می‌شود و این خمیر از چه معمول می‌شود

باین شخصی که اختراع کرده است بعد از آنکه امتیاز نامه

داده شد آنوقت اعلان خواهد نمود

# روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پشمه شهادت اثنانی مطابقت با روزنامه



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دار اکنلا فطهران

نظر بطور محاسن کنفایت و کار دانی مقرب ائخافان میرزا استغلی خان صاحب دیوان و فور محرم  
 علیت شاهانه در باره مشارکین از قرار فرمان محمد لعل خان همایون حکومت ولایت مشهور و سر  
 افزا کرد و کیثوب جنبه ترمه اعلی از جانب ستی ابجوانب همایون برسم خلعت در حق مشارکین  
 مرحمت شده از خاکپای همایون برخص و روانه استر حکومت خود کردید و چون محاسن  
 خدمات و جان نثاریهای مقرب ائخافان و دستغلی خان معیر الممالک در پیشگاه حضور مظهر عظمی  
 اقدس شاهنشاه دین پایه حلد آئینک و سلطانه موقع قبول و استخار باقیه بود با عطای کیثوب  
 قبای طبوس دین مبارک سرافراز کردید و کاپیچا مقرب الحضره میرزا صادق خان کسب در کار  
 پردازخانه دولت علیه مقیم مبنی نسبت نیابت اول مشغول انجام امورات متعلقه قبضه این دولت بود  
 خدمات او در حضرت همایون پسندیده افتاده مشمول عواطف ملوکانه گشت این اوقات حسب  
 فرمان محمد لعل خان همایون بمنشیکری حمام خارج کیشلان نامور و سرشناس از با عطای کتیغه نشان  
 از درجه اول سرسنگی با جمایل مخصوص آن و کیثوب جنبه کرمانی قرین دستخار و استیاز آمد در وانه محل نیابت  
 گشت و عالیجاه چیب الله پیک هم که آدم درست و امین است با مانع تکرر آنجا نامور و با اتفاق عالیجاه  
 محبت همراه میرزا صادق خان و انکر دیکه از قسردستور لعل و صلاحه عالیجاه شارالیه امر کرده که کهنز اشرف

۲۷۹۱

نظر بطور مرحمت و التفات حضرت صاحب قدرت هایدون در باره نواب و الانایب لایاله فراموش  
 از شکارگاه جاجورد که لشرم رکاب هایدون بودند بیکر اسب ترکمانی بسیار خوب از صطبل  
 مبارک بنواب معزی بسید مرحمت فرمودند امورات قشونی توپخان و زنبوکچیان و افواج  
 قاسره متوقفین در کخله الباسره هم روزی در محل مشغول مشغول مشغول مشغول مشغول مشغول  
 در تعلیم قواعد نظام کمال مراقبت دارند نظر بلاحظه خدمات و شایستگی عمده لامر الامیر العظمی مقرب  
 انخافان محمدخان میسر توان که هواره محاسن خدمات و منظور نظر کمبیا اثر هایدون است سب فوج  
 فرودین که سابق دست عباسقلی خان بود بمقرب انخافان مشارالیه مرحمت فرمودند که بجهت امورات آنها  
 منتظم دارد که چون مقرب انخافان یوسف خان سرتیپ افواج افشار اردوی مسووره مصدر خدمات کلی  
 و نمایان گشته کقطعه شان از مرتبه دوم سرتیپی بیکر شده عمایل مخصوص آنرتبه بشار الیه مرتبه  
 افواج مراغه جمعی مقرب انخافان جعفر تیلخان قاجار سرتیپ اول که احضار رکاب هایدون شده بود روز سه  
 پست هشتم جمادی الاول وارد در کخله شدند و دو فوج کروس جمعی مقرب انخافان حسنقلی خان تیر  
 و جبرال اجودان خاصه حضور هایدون که مدتی در رکاب هایدون بودند و عده خدمت آنها سرآمده بود  
 مرخص شدند آنچه بواجب بجزیره طلب داشتند از قرار تشریف شکر نویسان تمام و کمال در حضور امیر الامیر العظمی  
 نظاما لبحره و الاحشام سپه سالار بخود سر بران داده شدند و اسراره فاشا هسون که  
 امور فراسان بودند این اوقات مرخص شده بهار کخله آمدند آنچه بواجب بجزیره طلب داشتند  
 در حضور امیر کار سپه سالار قرار تشریف شکر نویسان داده مرخص شدند که صاحب منصبان فرانس که هم  
 در بیرون دروازه ده انت مشغول تعلیم صاحب منصبان که معین شده اند فوج طهران شدند بعد از مشق  
 در دیوانخانه نظام اطاعتی که بجهت درس معین شده همه صاحب منصبان را در مس عید میدهند

۲۷۹۲

### سایر ولایات

**کاشان** از قراریکه در روزانه پنج نوشته اند امور آنولایت احسن مراقبت مقرب انخافان  
 محمد حسن خان حاکم نهایت اشیا مراد دارد عاتق رعایا دکافتن برای آسوده و مرتبه کمال به کونی  
 دوام دولت ابد اتصال مشغول شدند چون چیزی قبل که باران رحمت سینه بود و راه قوافل مسدود و  
 یکا شان نمی آمدنی بجهت نسکی و عسرت ولایت بهر سیده مقرب انخافان مشارالیه قده غن نموده

که هر کس قلعه در انبار دارد و هرگاه خود بطیب خاطر از تشریح نبرد شش میسر سازد جناب المراد و الاحکام انبار انبار  
و قلعه را بستن چهار نفر است که حیث میل در مال مردم نشود بجماعت جاز تقسیم کرده قیمت ابصاحبان قلعه  
حاید سازند و یکدو برف هم آید بیشتر بایامیداری رعیت و مالی لایست کردید راه قواصل هم نسبت باین  
مفتوح کردید اگر چه باز قلعه خوبی تسخیری دارد و لکن بحمد الله تعالی آنطور وحشت اضطراب مردم رخ  
شدن در بازار و فوری دارد و سایر امتعه و طعمه هم در کمال فراوانی ارزانی است دیگر آنکه چون  
پرداخت ثالیات یوانی آنولایت در سقط است و سقط آنوالیات یکدوماه باخر سال مانده پرداخت  
این اوقات مقرب انخاقان مشار لیس از جمع باشرین مات و بلوکات و حومه شهر و بازار الشرام گرفت  
که بوجه پانزده روزه حساب ثالیات یوانی خود در بیست و نه روز در دفتر خانه حکومتی حاضر  
سرسشته در ان مشغول رسیدگی حساب باشرین پرداخت ثالیات یوانی هستند کلچین پو  
مبارک و مغفوفه شدن مبارک که بافقار مقرب انخاقان مشار الیه از مصدر خلافت کبری و سلطنت  
عظمی شرف صدور و عرفان یافتند در توتزدل ارزانی فرموده در باغ جناب مقرب انخاقان این ملک  
که در خارج شرف است در مجمع جمیع اعیان و اشراف بزرگان و مشوم تجار و کسب و مالی ولایت  
مقرب انخاقان محمد حسن خان حاکم خلعت آفتاب طلعت مبارک کر از پدوش عبودیت و زینت آغوش  
قدویت ساخته مضمون مرحمت مشون مغفوفه فرمان مبارک که آویزه گوش جوش خاص و عالم نموده  
حرف شربت شیرینی و بذل در هم درین رفقا و اسادات در اویش و ارباب استحقاق مراجعت  
مبارک که در روزنامه انجمن نوشته اند بحمد الله ذالمت از فرط محبت و مرحمت سرکار قدس  
شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه نهایت نهایت و ذالمتی حاصل است جمع رعایا و بریاد در صد امان  
آسودگی نموده و مقرب انخاقان چراغ عظمی خان حاکم خیم نهایت مرتبت خدمات یوانی و موافقت در پرستار  
رعیت دارد و قطع سارقین و قطع الطریق و امنیت طرق و شوارع عرض راه و آسودگی عابین  
و مستردین فوق العایا و فاق خود را مصروف میدارند که این روزها از توپخان افواج فابره از  
داخناز بر کاب حضرت شایب باشد در کمال نظم و آراستگی از جنس عبور و مرد در میخا نیز از جمله دو فوج  
جمعی مقرب انخاقان یوسف خان و آنصوب مقصد کردید از توپخان از تپه و سایر طوایف هم علی الاعیان  
اصفهان بقرار یک در روزنامه آنولایت نوشته سوامی ایام تعطیل سرانجام توپخان متوقف

۲۷۹۳



دار اسلحه اصفهان هر روزه مشغول مش پیاشند و در کار مش کوهای می نهند امیرالامرا را بطعام اعطایند  
 یکروز مهن سرکشی بیدان مش رفتند در انصمن حکم بتغیر خرابی میدان نمودند که ایام خوشی بود تعمیر شود  
 و دیگر سواره جمعی عالیجاه سنغلی خان که متوقف بصفا نند نظمی دارند و دسترا و نکاتها مشغول خدمت پیا  
 بعضی دزدی و سرقت که در چند وقت قبل شده بود درین ایام معلوم شد که سر یازان همدانی دزدی پیا  
 و کیفیت از آنها کسب آمده بعضی از اسباب مردم استرداد شده بصاحبانشان دادند و سبب زرا در قراول  
 نگاه داشته اند تا رفقای دیگرش معلوم دیگر عالیجاه حاجی محمد کاظم خان در امور جبهه خانه پیش از پیش  
 در ایام تصک و فاسقه بنیاید و وقت در خوبی کار میکنند هر قدر شخواه باو برسد فرمایند مطلق بنیاید دیگر  
 نوشته اند که سابق برین امر خیت م خانه افشا شد است و خالی از قلب نبود در این اوقات که آقا زین العابدین  
 پاپ فرانشان نامور این خدمت شده است نهایت نظم در کار حاصل است هر عملی که مینماید با اطلاع تجار  
 معبر میکنند و کار را بعد از اتمام بنظر کار عماد الدوله میراند

### فارس از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور نولایت از هرجه نهایت شطامه دارد بخوا

والا مؤید الدوله حکمران فارس نهایت مراقبت در رسیدگی امور رعیت و امانت طرق و شوارع و اشراف  
 بکدامند تعالی تمامی مالی فارس با فراغت با بر کسب و کاسبی خود بدعا کوی ذات اقدس سماویون شاهنشاهی  
 روح العالمین فنداه اشغال دارند و در پنجم شرجادی الاول در شیراز بارش بسیار خوبی آمد تا دو از دهم ماه  
 شبه روز بارندگی بود و پیش از بارش در دکانهای علفی جو بسیار کم و نانم قدری کم بود اما محمد  
 و نورجو و گندم و سایر نعمتها پیا شد و مردم سوده دعا کوی ذات سماویون پیا شدند و مقربان خانان  
 سهام الملک با افواج شته اصفهان در پای باغ تحت منزل دارند و نهایت انظام در کارش پیا شد و سبب  
 ابوالجهمی او هر روزه مشغول مش پیا شدند و دیگر فرج شیرازی که احصا ر بدار اخلافة الباسه هستند  
 سوای ایام تعطیل هر روزه در میدان نقارخانه مش میکنند و در پنجم شرجادی الاول صبح حاضر باش کرده  
 فرج مذکور در کمال آهستگی و شکوه در باغ شهر که مقبر حکومت و وصل میدارند در وقت صفت نظامی کشید که از سرکار  
 نواب اشرف و الامرخص شده نقل مکان بجهت سفر دارا اخلافة طهران نمایند و نواب اشرف و الامرخص  
 باغ پیرون تشریف آورده کمال القات با فراد فرج مذکور سفر کرده و مرض نمودند و مراجعت بخلوت کردند و از  
 هنگام ورود میرزا احمدی پیشخدمت خاصه بشیرازالی حال بقدر قوه کمال سعی و اهتمام در باز یافت کردن  
 دستخواه بختای سمنواتی بنیامند

۲۷۹۴

## اخبار خارج

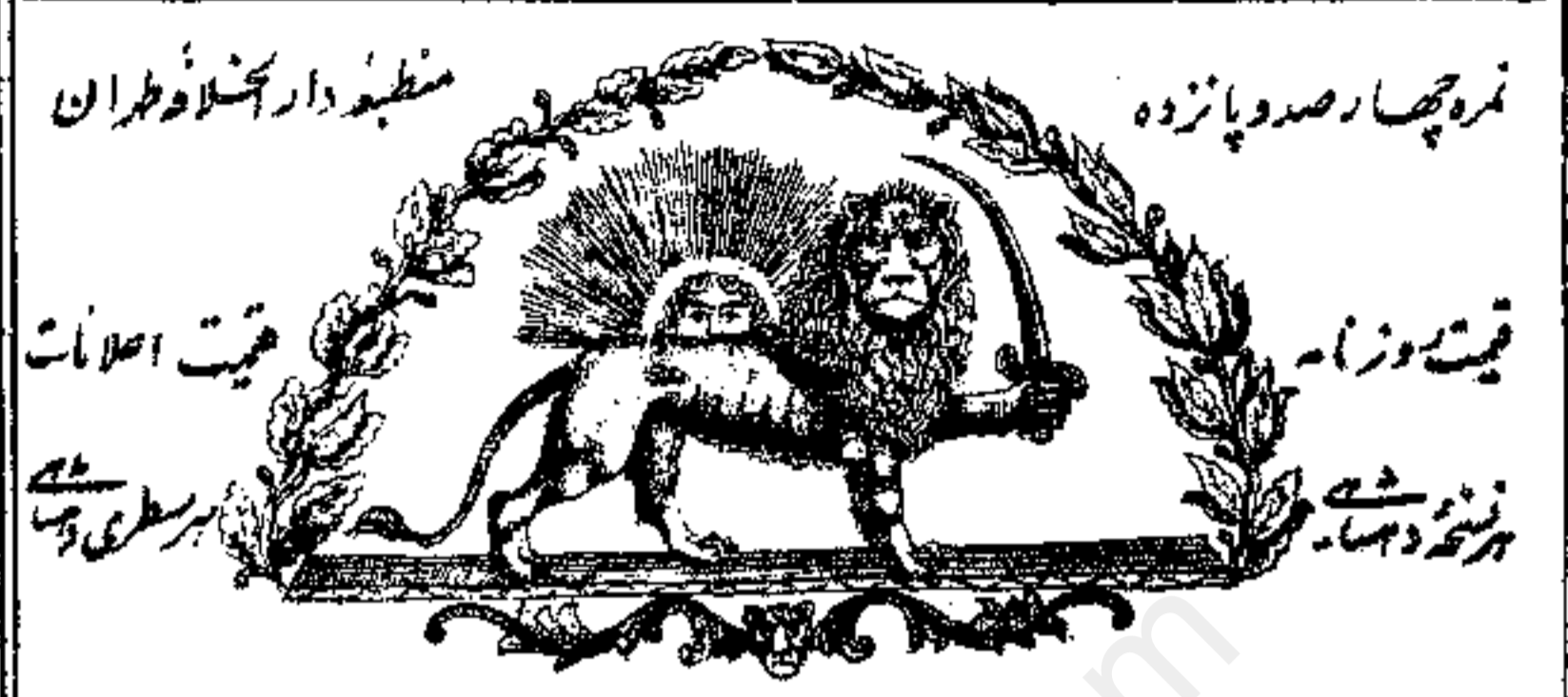
لازرو زمانه های اروپا نوشته اند از اصول قدیمی مالی لندن است که رئیس صنایع از جانب انگلستان  
 منتخب و تعیین میگردد و هر ساله رئیس اصلاح دیدار صنایع تجدید میشود و در روز برقرارگشتن رئیس مجلس  
 و کلا و سفر صیافت داده جهانی می نمایند بعضی گفتگوی رسمی هم در آن مجلس صیافت ایراد و گفتگو میگرد  
 در این سال نیز که هنگام تجدید رئیس بوده است از جانب صنایع تعیین رئیس گشته و صیافتی نیز برپا شده است  
 از جانب سفیر فرانسه رسماً تقریر و بیان میگردد که ما چون دولتین فرانسه و انگلیس چند سال است آثار و عیال  
 اتفاق و اتحاد پیدا و جوید است و این اتحاد هر دو روز در ترقی و ثراید است با اینکه بخصوص بر سر  
 این اتفاق کتابها نوشته در کارها بسیار مقالات ذکر کرده هیچیک از اینکلمات خلل با اتحاد دولتین  
 نرسانید بعد از اینهم نخواهد رساند با اینکه چنانچه در میان دولتین تفریق داده نخواهد گشت از آنجا  
 بعید است که خلاف این حالات ظهور و بروز نماید پس از آنکه این پانته از سفیر فرانسه رسماً تقریر میگرد  
 از جانب باش وکیل دولت انگلیس تصدیق و تحسین این مقالات میشود در روزنامه های اروپا نوشته اند  
 نظر بانکه ممالک امریکا بغایت منبسط و مخصوفاست در سال گذشته از اروپا معادل سیصد و پنجاه هزار  
 نفر ممالک امریکارفته و دخالت جمهوریته امریکا کرده اند بعد از نصف این آدمها از انگلیس و نصف دیگر  
 سایر ممالک اروپا بوده اند (بنا با خبریکه در روزنامه های فرانسه انگلیس بازکی نوشته اند قیمت  
 ابریشم این مملکتین از قیمت مقرره زیاده تر گشته و ترقی کرده است) در روزنامه های یونان نوشته اند  
 مثل اینکه پست سال پیش ازین در یونانستان تحریر نفوس کرده بودند سال نیز تحریر نفوس نمودند  
 صد و نفوس موجودی انالی یونانستان بود و در وچهل و پنجصد نفر رسیده است تا بعد نفوسی که  
 پست سال پیش تحریر کرده بودند موارنه نمودند و چهارصد هزار نفر زیاد تر آمده است (در روز  
 نامه های فرانکستان نوشته اند شخصی که علم و عمل آبله کوچی اورلندن طنا هر کرده و فایده عسومی او بر مردم  
 دو واضح کردید چنانکه نام شخصی بوده است در وقت بل ایختمت مبلغ خطیری از جانب دولت با انعام شد  
 و از جانب ملت هم زیاده از ان با و اگر ام کردید و بعد از وفات او از جانب دولت در حق اهل و عیال  
 او سالی چهارصد تومان مستمری برقرار شد از شکریکه در روزنامه های انگلیس و فرانسه بعد نوشته اند  
 انالی انجانبنا بر معضای حیت و غیرت هر کس بقدر حال خود یکشاهی و صد بار بار زیاد و باکم با

اگر ام بآن متوسل گردند و ازین خسیلی پول جمع و حاصل شده است و صرف کشتن این پول در خیرات  
 متوقی مویس الیه از جانب دولت مراد گشته امر شده ازجهت اینکه نام او باقی بماند اسم او را در مسکنی حک  
 نموده در لندن در یکجائی مناسب مرثع گذارده اند و آنچه ازین پول زیاد مانده است قسماً داده اند  
 خانه بسا و اعدات نمایند و چند طیبی در آنجا قرار بدهند اطفالی را که بعد از آن متولد شده خواهد شد البته  
 بگویند اگر چه این شخص از تبعه انگلیس بوده است نظر بآنکه منفعت این تمام امالی فرانکستان خصوصاً با آنکه  
 فرانسه رسیده است در فرانسه نیز محض حمایت متوقی مویس الیه از جانب ملت پولی جمع نموده مثل  
 اینکه در لندن خانه بنا کرده و طیبی از برای آبله کوبی اطفال گذارده بودند در فرانسه هم بنا نموده اند  
 در روزنامه جریده حوادث نوشته اند که در نزد تمام امالی او اروپا شهرت تمام دارد که در کماز و ذبا و  
 بستن بهر راست دروغ زود باور می نمایند درین باب اعتراضات چند با امالی او اروپا وارد است  
 از جمله در داخله مالک او ستریا در شهر زبورق شخصی که فایده اساک در حق خود داشت لیکن با بیطرفی نظر  
 پول زیاد و فاحش میداده است یکروز بجزم شکار از شهر پرودن آمده و بصد او کوه میرد یکی از اهل  
 که در شهر بوده است این ایفند و در میان تمامی شهر شترت میداد که این شخص که پرودن رفته است شیطان  
 این بصورت سک معاودت خواهد داد خسیلی ادعا بقول این عثماد کرده و باور می نمایند و بعضی  
 از فقر او مغلیس که منفعت او بایشان میرسد است دشان با جوال او میسوزد و قرار میدهند که  
 ما پس ازین میرویم و در وقت آمدن او با چوب و سنگ زده میکشیم و در سر راه او جمعیتی میکنند و غنظت  
 سک میشوند درین بین عزاوه می آمده است از تومی عزاوه یک سکی پسرون می آید سیکویند آن سکی که  
 ما او را خواهم زد اینست هجوم بر سر او می آورد و بنامی زدن سک میکنند درین بین صاحب  
 آن سک و صاحب آن عزاوه از عزاوه پسرون می آید و فریاد میکند که سک مرا چرا میزیند حرف  
 او را گوش نکرده با او هم سنگ چوب میخورد و خیلی از تیت میرسد تا اینکه مطلب را با اینها  
 نیاید حاصل باورین صبطیه این کیفیت میرسد و ازین ماجرا محسب میشوند همه اینها را اگر چه بجانب  
 حکومت میبرند و تسلیم میکنند و بقرار یکدیگر در کارتهای او ستریا نوشته اند الا آن از جانب حکومت

رسیدگی محاکمه و استطاق  
 آنها می نمایند

۲۷۹۶

روزنامه و قیام اتفاقیه باریخ یوم پنجم ششم شهر جمادی الاخری بقیه المطبات



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار کتلاط طهران

چون مسواریه اوقات توجه حضرت اقدس سنجاریون شهریاری دامت شوکت در تربیت و ترقی شاگردان مدرسه دارالفنون بدرجه کمال بوده دست تاهر صنفی از صناعات شاگردان مدرسه در علوم خود ساعی و مجاهد باشند محض افتخار و مباحثات نهار در شنبه بیوم شهر جمادی الاخری ساعت بغروب آفتاب نایب تشریف فرمای مدرسه دارالفنون کشید و بهر یک از مجالس درس معین تشریف فرما شدند و توقف میفرمودند و معین از علوم خود مسوالات از شاگردان میکردند و جواب عرض میشد و از جمله وقتی که با طاق عالیجاه موسیوقلمنی معلم درس حکمت طبعی تشریف فرما شده بودند چون جناب فرخ خان امین الملک آلات ادوات مخصوص این علم را از فرنگستان بجهت دولت علییه استیاع نموده و بدار کتلاط آورده و بعضی از آنها در مدرسه حاضر بود و عالی غریبه در حضور بارالهور علیحضرت شامشاهی نمودند و از جمله اسباب خلوه هویت که ظرفی بلور که با هوا بود کجاشکی در آنجا گذاشته و بعد هوای آنرا بواسطه اسبابی که در پیشروی آن طرف بود کشیدند و اینها الفور آن کجاشکی مردود دیگر بقوه پرخ الماس مقبول آهین ادر چند ثانیه آب گردید و سوا اینها اعمال دیگر نیز از علوم حکمت طبعی در حضور مبارک بطور رسید و بعد بکتابخانه جدید که حساب الامرا علی ساخته شده است تشریف برد و بسیار مقبول طبع مبارک واقع شد و بفرست

۲۷۹۷

اکنون قاجار حجب کرده ام شد که جزئی ناتمامی که دارد بزودی درست کرده که کتابهای سرد  
 در آنجا بگذارند و از آنجا با طاق عالیشان موسیو کریشس سر تیب تو بخانه تشریف بردند و از آنجا  
 نواب الاعضا دلسلطنه اسباب چراغ کار تازه ساخته شده بود بنظر مبارک رسید که از  
 بخار و روشنائی زیادی حاصل میشد و نقش اطراف در آن خلاصه که شاکردان موسیو کریشس  
 کشید بودند و عالیشان مشا را لیه با میرزا فضل الله شاکرد خود آنها را در روی یکت روی شطیم و پر  
 ساخته و پرداخته و دندان نیز بنظر مبارک رسید و بسیار شگفت و مقبول طبع افتاد و فراخ و اول  
 هر یک از معینین و معینین بذل الثقات انعام کردید (چون بجهت اطفار علایم دوستی و موافقت  
 و دلایل بچستی و صفوت ایامی هدایا و تحف فیما بین سلاطین با بجز و تکمین و دول متحابه دایما معمول  
 و متداول است لهذا از جانب علمحضرت امپراطور دولت فرانسه و دول متحابه امریکا و سایر  
 و بلژیکا محض اظهار مراسم اتحاد و موالات هنگام مراجعت جناب امین الملک بدر بار شوکت مدار  
 هایون کجبه سرکار علمحضرت اقدس جناب امین شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه باین تفصیل  
 فرستاده دلایل خلقت و و داد را ظاهر کرده اند

۲۷۹۸

از جانب علمحضرت امپراطور دولت فرانسه

انگلسری الماس کوچک که در کتاب شاهنامه که در پاریس <sup>نسخه</sup> تفنگ کوله زن اعلی با همه  
 تکمین تصویر علمحضرت امپراطور ترجمه شده با جلد اعلی  
 فریب است حلقه  
 سباب  
 حبه مقرر است قصه

طیایح اعلی با همه اسباب مطلقا  
 کلدان باور بسیار بزرگ اعلی  
 کازرت بسیار بزرگ و بسیار خوب  
 که از خاک دولت بهر روش حمل  
 کرده بسرحد دولت غلبه رسانیده  
 یکدستگاه  
 زوج

سایر دول متحابه

به دولت بهر امریکا از جانب  
 ساعت قاب آلماس بر لبان  
 به تمام زنجیر طلای جاملی که وسط  
 زنجیر کل کوچک الماس دارد  
 یکدستگاه  
 بهر دولت بهر ساردا نیا از جانب  
 تفنگ که قذاق و سایر اسباب  
 آن شیر با بخت  
 حبه مقرر است قصه

از آنجا که سرکار علمحضرت اقدس هایون شاهنشاه حجه دین پناه خلد الله ملکه و سلطانه لصب  
 حسین همت و الا همت لوکانه فرموده اند که در ترویج قواعد ملت قویم و انتظام مجام دولت  
 ابد ترسیم اساسی حکم و بنانی حکم بنیان فرمایند که بیا من تا میدات از لیه دست صرف زبان

از دامن اندر اس آن کو تا آید و یونانی و اسپر و ابر و روح و شوکت دین دولت پدید آید پس نژاد بعد از  
 از تدریس این قدر آیین همایون بحکم جمیع ولایات مالک محروسه حکم قدر نفاذ شرف صدر یافت  
 که حکام ولایات محروسه اولاد مدرس معجوره آن ولایت که مدار تحصیل طلاب است اسامی معتمنین  
 و معتمنین هر مدرسه از اعلیٰ ادنی هر کدام مشغول به علمی از علوم دیشیر یا ضمیمه و ادبیه هستند علی این  
 با رسم رسم مشخص کرده مراتب اینچا کپسای مبارک معروض دارند تا اینست بعلین مدرسین اخبار  
 نمایند که بعد ازین در تعلیم و تدریس علوم و تربیت و ترقی معتمنین و معتمنین کمال مراقبت داشته باشند که  
 ان شاء الله تعالی در اندک زمانی ترقیهای کامله حاصل نمایند و در هر ماه یکبار مدرسین و طلاب  
 و شاگردانی مدارس اینچا همند و بتصدیق علمای این مراتب تحصیل هر یک از امتحان نمایند هر کدام  
 بنظر جید نموده بر مدارج علم خود افزوده باشند نوازش و الثقات نمایند هر یک تن آسانی کرده  
 در تحصیل علوم همسال و رزیده اند و توجیح و علامت نمایند و مراتب مزبور را نیز بنچا کپسای همایون معروض  
 دارند تا انتداز جانب ستی اینچا کپسای یون در حق آنها نیکه ترقی کرده اند در مقامات شایسته  
 مرحمت طو کانه بطور رسد (چون کنون خاطر خورشید مظاہر شاهنشاهی ادام الله ایام سلطنته  
 است که رسم تقلب و خیانت اشتباه کاری از جمیع امورات دولتی متروک و موقوف باشد  
 خاصه در مقام عا که منصوصه نظام و عنبر نظام لهذا چون شخصی خان سر جنگ سابق فوج خلخال  
 در کوشش کسب فوج تعدی و زیادت بر رعیت و اهل ولایت کرده بود و عبد الله خان صارم الدوله که  
 بعد از مراجعت از سفر استرآباد که سان سر بازا و را و دیدند معلوم کردید که اغلب سربازان را بدل کردند  
 و اکثر آنها را تبدیل کرده است تا اینکه مشار لیس از نوگران قدیم است و خدمات نمایان کرده است سرکار  
 اعظم شاهنشاهی محض است حکام احکام علیه و انتظام به نام کلیه امر و معتبر فرمودند که هر دو را که  
 بقراول انداخته بحسابشان سیدکی نمایند هر چه تعدی اجماع کرده اند متروک شود بعد از آن  
 شوند که دیگر احدی جرات و حسارت قدیم اینگونه اعمال نداشته باشد) (امیر الامرا العظام  
 اسد خان معتمد الملک حاکم همدان که بر کباب ظفر نشاسته ایون احضار شد و در آورده آمد و در مطلقاً  
 خاطر مرمضا شاهانه گردید و از تدریس که بنچا کپسای مبارک معروض است در صفحات همدان  
 و عراق بوقت بسیاری آمده است که باعث امیدواری رعایا و برپا شده است که ان شاء الله تعالی  
 امسال حاصل خوب خواهد شد) (چون سوار تربیت خانه زادان دولت و بیدایت منظر

۲۷۹۹



نظر محضه اثر حضرت شهریار می آید بلکه میباید محض اظهار محبت در باره بنیاده انجمن العظام  
 رضا قلیخان سپه مرحوم میرزا ابراهیم خان کیویب جتبه تری از صندوقخانه مبارکه بر رسم خلعت بجا پیاده  
 مشاوریه محبت شد و مورد التفات پادشاه بود امورات قشونی امور قورخانه مبارکه و جتبه خان  
 سهای نظم را دارد امیرالامرا لطف م قواما لیلجد و الا حشام سپه سالار هفته یکروز صبح تا شام بقورخانه  
 و جزئی امور قورخانه و جتبه خانه رسیدگی نموده قرار درستی میدهند صاحب منصبان فرج الله که هر سه را  
 اینک سرکار حضرت شاهنشاهی خلد الله ملک با میرالامرا لطف م سپه سالار مقرر فرموده اند که هر کدام از آنها  
 بر شغل و عمل خود کذاشته در تعلیم و آموزش هر کس در فن خود مواظب باشند مغربی الیه نیز فرستاد  
 و دستور العمل درستی در بیابان داده اند معتمد توپخانه مخصوصا دو لیست و پنجاه نفر توپچی جوانان جوان  
 و قابل معین کرده هر روزه در میدان ارک مبارک مشغول تعلیم مشق توپچیان است و جتبه  
 منصب قورخانه نیز همیشه روزه در قورخانه مشغول ساختن فشک و صدوق و عراده آذوقه کشی  
 و آموزش آنها باشد (اند برای صاحب منصب پادشاه نظام از هر فوجی سه نفر صاحب منصب  
 معین شده و چند نفر دیگر از خوانین پسرهای آنها نیز معین کرده اند که هر روزه در میدان مشق  
 میکنند بعد از مشق در دیوانخانه نظام اطاعتیکه معین شده تا دو ساعت درس میدهند و فوج طرف  
 جمعی مقرب انجمن محمد رضا خان سرتیپ دوم نیز از قرار دستور العمل او هر روزه مشق میکنند) (دو فوج  
 مراغه و سواره مقدم جمعی مقرب انجمن جعفر قلیخان قاجار سرتیپ اول که وارد دارالخلافه شده بودند  
 یوم شنبه بیوم اینماه در میدان ارک مبارک حاضر گشته سرکار اقدس بجا یون شاهنشاهی خلد الله ملک  
 تشریف آفریده نفرینفر صاحب منصب و سرباز را ملاحظه فرمودند با کثرت سربازان و فوج مزبور که  
 که قدمت خدمت داشتند در حضور مبارک نفری دو تومان مرحمت شد بعد از ملاحظه فرمودن تمام فوج مبلغ دو  
 تومان نیز انعام بدو فوج مرحمت و عنایت فرمودند چون افواج مزبور را مورخ فراسان بوند با میرالامرا لطف م  
 مقرر فرمودند مواجب و جیره و تدارک و طبوس و اسلحه آنها را بدقت پرداخته بدون نقصان و کم عاید نماید مغربی الیه  
 در دیوانخانه نظام بجهت مواجب و تدارک آنها را داده روانه فراسان نمود و میباید کلین تن پوش مبارک  
 انجمن جعفر قلیخان سرتیپ اول مرحمت شد فوج قرانی که احسن در کباب مبارک شده بودند و در شده یوم  
 شنبه ششم در میدان ارک مبارک حاضر شده سرکار حضرت ظل اللهی و حافظه تشریف آوردند  
 صاحب منصب و سرباز را یکان یکان ملاحظه فرمودند چون فوج کمال خوبی و استعداد داشتند مورد  
 و نوازش بفرموده شده مبلغ یکصد و پنجاه تومان با آنها انعام مرحمت فرمودند

۲۸۰۰



# اخبار دول صاحب

در روزنامه های وسیع نوشته اند امیراطور روستیکه بانی شهر پیر پور غ بود در ایام امیراطوری خود شش بار بجانب ولایت تکلیس و فلک رفته در کشتی سازخانه آن ولایتها مدتی بعضی از سنون کشتی سازی تحصیل نموده و معاودت کرده بود در نزدیکی شهر مذکور از مال خود شش و قریه داشت با مالی آنقریهها آنچه از فنون کشتی سازی تحصیل کرده بود تسلیم کرده و مالی مرقوم را در کشتی سازخانه دولتی به سفیفت مخصوص نموده بود اهل مرقوم از آنوقت تا حال در هر سه روز مشغول خدمت دولت در کشتی سازخانه گشته و سایر ایام همواره در تعین و سایر امورات مملکتی در مشاغل بود چون با این کیفیت با اجرتی بی بودن مالی مرقوم در خدمت دولت کمینوع مقیدی و سیری بنظر می آمد در این اوقات که جانب حضرت امیراطور روستیکه الی این دست از اینگونه خدمت و مقیدی معاف و معفو گشته اند با بقرآن که در جرین الحوادث اسلامبول نوشته اند هر سیکه از ارزش اترودم بطور اوزان قدیم شود که راه قوافل ممالک ایران و سایر محالات تصفیحات بسیار بد و خراب و صعب بود که دائمی خاصه در موسم مسان مترددین در رحمت و اذیت بودند و در فصل زمستان بعضی اوقات راه بسته و تردد مقدور نمیشد هر سال از بهار تا بهار و چون خیلی در آن راه تلف خسارت زیادی بکاربان مالی آن زمان میرسد جناب عارف پاشا والی ارزش اترودم بر خدمت حضرت مستطابان روم پار سال بقصد حسنتر آن راه غرم نموده از ارزش اترودم الی ایپورت که ندان یا است و پست چهار فرسخ راه پیشه شروع در ساختن کرده مساوی فرسخ راه درست نموده بودند سال بقی راه الی ایپورت ساخته و با تمام رسانیدند و آنچه در پار سال ساخته و پاره تمام و عیوب است شش سال همگی آنها را منقح و مصمت نمودند بطوریکه در بعضی مکان و جاوه دو عشاره و در بعضی عشاره پهلوی هم راه میروند کوهی در پنج سازه واقع بود که در زمستان برف زیاد آنجا می آمد که آنکوه دو برابر االی میشد و فصل تابستان برف بنای آب شدن میکند است از آن بگاه پارچه بزرگ که بمن مصلح است پایین می آید از تشرین هر که و هر چه در دهنه کوه بود میکرفت در زیر برف میماند و تلف میشدند راه را از دهنه آنکوه بوسم نموده و موقوف است از مقابل آن جاوه جدیدی کند و قرارداد داده اند که از خطی استوکی حاصل آمده است جناب عارف پاشا والی ارزش اترودم نهایت تمام و همگی مالی آن بلوک و نصیحات غایت غیرت و محبت را در ساخته شدن آنرا بعمل آورده اند تا می مستردین و مالی نصیحات مستتمای رفاقت است و استوکی از این کیفیت در زندیقار که ملاحظه نموده در ساخته شدن آنرا که مثل متعارف مزد و اجرت بکار کرد و عمده و عنیه داده میشد میان کثیری که کرامت داشت لکن چون مالی نصیحات و سکنه آنحوالی خودشان شوق و رغبت در ساخته شدن آن راه داشتند و طالب بودند و غیرت میکردند از مزد و اجرت همین بقدر کفایت آن و قیمت است اذضاغ شاعت نموده باره از جناب امیراطور

۲۸۰۱